

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سید مصطفی هاشمی^۱ عبدالرضا فرجی‌راد^۲ رحیم سرور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۳۰

چکیده

حوزه ژئوپلیتیکی عراق دارای نیروهای همگرا و واگرایی است که تحت شرایط خاص عمل می‌کند و دائم با یکدیگر در حال رقابت هستند. عراق با تحولاتی روبرو بوده که این تحولات منجر به تغییر و تحول در ساختار قدرت و هویت آن شده و نتیجه‌ای جز دگرگونی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران و کنشگران منطقه‌ای نداشته است. گروه‌های قومی و مذهبی، هیدروپلیتیک، هویت ملی و هویت عربی، منابع نفتی و درآمدهای عظیم ناشی از آن و کیفیت دسترسی به خلیج فارس و ... در آمایش و روند تحولات عراق، باعث اتخاذ استراتژی‌های ژئوپلیتیکی شده که بسته به وضعیت عراق و نوع و ترکیب حکومت عراق، بر امنیت ملی ایران اثر گذاشته و تبدیل به دشمن، رقیب راهبردی و یا شریک استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌شود. پژوهش ذیل با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و ضمن بررسی جغرافیای سیاسی، فضای درونی، تاریخی و ژئوپلیتیکی عراق، به مجموعه الزامات فضایی، امنیتی-سیاسی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیک، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، عراق

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران،

m.hashemi2006@gmail.com

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران a.farajirad@yahoo.com

۳. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران rahim.sarvar@gmail.com

۱- طرح مسأله

عواملی همچون تقابل ایران و آمریکا، تغییر در آرمان‌های حماس، کاهش و خلع سلاح‌های هسته‌ای، صلح اعراب و اسرائیل، حاکمیت دریایی چین و نگاهی دوباره به موضوع‌های پنج‌گانه ژئواستراتژیک جهان، نشان می‌دهد که هنوز هم خاورمیانه قلب‌تپنده سیاست در جهان معاصر است (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و ایران و عراق به عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در مقاطع تاریخی، همواره تحت تأثیر کنش‌های هم‌گرایانه/واگرایانه بر خاسته از واقعیت‌های جغرافیایی فی‌مابین و منطقه بوده‌اند. چراکه عامل جغرافیا به گونه‌ای خود را به نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و داده‌های سیاست خارجی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قوم، ۱۳۸۸: ۹۲). تا پیش از شکل‌گیری دولت‌های مدرن در خاورمیانه، نوعی پیوستگی جغرافیایی و وابستگی تاریخی میان ایران و عراق وجود داشت. این پیوستگی در برهه‌های زمانی به واسطه‌ی کشورگشایی‌های امپراتوری‌های ایران به سمت اروپا و آفریقا وجود داشت و در زمان حمله خلیفه دوم به ایران؛ که به شکست امپراتوری ساسانی انجامید نمود بیشتری یافت؛ این پیوستگی، در برهه‌های تاریخی، در قالب وابستگی ژئوپلیتیکی فرهنگی، سیاسی، نظامی و... نمود می‌یافت. باین‌حال پس از شکل‌گیری حکومت ملت‌پایه در عصر صفویه و بعد از تغییر چندباره حاکمیت سیاسی عراق؛ میان ایران و عثمانی؛ ارتباط جغرافیایی ایران با شامات به واسطه تسلط امپراطوری عثمانی بر این منطقه، منقطع شد. با خروج نیروهای عثمانی از عراق، تحت قیمومیت جامعه بین‌الملل و سرپرستی بریتانیا قرار گرفت و نظام پادشاهی در این کشور شکل گرفت. با استقلال پادشاهی عراق از بریتانیا در ۱۹۳۲م، فرایند سیاسی شکل‌گیری دولت مستقل عراق آغاز شد باین‌وجود به دلیل نیاز بریتانیا به نفت عراق و شرایط حساس نظام جهانی، کماکان از پایگاه‌های نظامی و اجتماعی خود در عراق بهره می‌برد. با کودتای سال ۱۹۳۷م، و سقوط رژیم پادشاهی در عراق، تا سال ۱۹۶۸م چندین بار قدرت میان نظامیان تبادل شده و در نهایت با کسب مسند قدرت

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۶۵

توسط حزب بعث عراق، احمد حسن البکر به عنوان اولین رییس جمهور عراق، زمام قدرت را در اختیار می‌گیرد و پس از وی صدام حسین بر مسند قدرت در عراق تکیه می‌زند. بدین ترتیب به موازات تغییرات قدرت در عراق؛ در ایران نیز روندهای سیاسی در حال انجام بود و رخدادهای بسیاری در فضای سیاسی ایران شکل گرفت. به مجرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، صدام حسین با توجه به بی‌ثباتی ایران؛ (و البته خواست نظام ژئوپلیتیکی بین‌الملل وقت)، مناقشات مرزی میان ایران و عراق را که بازمانده دوران پهلوی بود، بهانه قرار داده و تلاش کرد با طرح‌ریزی منازعه مستقیم، از فرصت پیش‌آمده در جهت خارج کردن عراق بهره بگیرد و به موقعیت برتر ژئوپلیتیکی در منطقه دست یابد. روندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکم بر نظام بین‌الملل در آن زمان، به موازات سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورهای منطقه، سبب شد منازعه طولانی شود. علیرغم اتمام جنگ، منازعه میان دو کشور خاتمه نیافت و با گذشت ربع قرن از پایان جنگ و سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و خارج شدن حزب بعث از فرایند سیاسی عراق، همچنان روابط دو کشور ایران و عراق تحت تأثیر یک مجموعه بنیان‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد که این بنیان‌ها، روابط دو کشور را تحت تأثیر قرارداده و قابلیت تغییر ژئوپلیتیک روابط خارجی را دارد. در تحقیق پیش‌رو برآنیم ضمن بررسی بنیان‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط ایران و عراق، اثر آن را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را ارزیابی کنیم. سؤال پژوهش اینست که «بنیان‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط دو کشور ایران و عراق چه هستند و چه اثری بر امنیت ملی ایران دارد؟» به نظر می‌رسد نفت، مذهب و مرزهای مشترک از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر بنیان‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در روابط ایران و عراق می‌باشد.

۲- روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است و به روش تحلیلی و تفسیری

انجام شده‌است. یافته‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای (شامل کتب، نشریات و اینترنت) و مصاحبه با اساتید دانشگاه و خبرگان امنیتی و حضور در جلسات خبرگی گردآوری شده‌است.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱. سیری در ادبیات پژوهش ژئوپلیتیک: زیربنای این تحقیق مبتنی بر سه مقوله شیوهی پژوهش ژئوپلیتیک و دو کلید واژه‌ی ژئوپلیتیک و استراتژی است. گرچه از آغاز شکل‌گیری مبحث ژئوپلیتیک تاکنون تعابیر زیادی از آن به عمل آمده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۸). به اعتقاد هاوس هوفر، ژئوپلیتیک منطقی جهت شکست دشمن با توجه به موقعیت و امکانات جغرافیایی است (C.Troll, 1949:116). پسوند سیاست در این اصطلاح، سیاست روز یا حتی سیاست دولت نیست، مگر آنکه دولت راهبرد ژئوپلیتیک را در دستورکار درازمدت خود قرار دهد. سیاست در ژئوپلیتیک بر اساس کارآمدترین تئوری‌ها از جایگاهی پنج وجهی برخوردار است:

۱. منظور از پیوند سیاست در این واژه، سیاست خارجی است نه هر سیاستی (آریان‌پور، ۱۳۶۳)

۲. پسوند سیاست در این واژه دارای بار استراتژیک است. چنانچه استراتژی برپایه تعریف پنتاگون به فن یا هنر ترکیب قدرت ملی (درب‌گیرنده شش توانمندی ملی) به منظور دستیابی به پیروزی بر دشمن به هنگام جنگ یا صلح دانسته شود، ژئوپلیتیک را می‌توان استراتژی-جغرافیایی نامید. چنین تعبیری تا حدودی متمایز از سیاست کابینه از سیاست ژئوپلیتیک است.

۳. بر اساس بند قبلی، تنها کشورهایی که دولت‌ها و نظام‌شان از استراتژی ژئوپلیتیک پیروی می‌کنند، میل به پایداری و ثبات امنیتی دارند. برعکس دور شدن از استراتژی و

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۶۷

رهیافت‌های آن، به معنای دور شدن از بقای ملی و امنیت ملی است. در واقع همان‌گونه که جفری پارکر باور دارد: ژئوپلیتیک دانشی است که راه دستیابی به اساس جغرافیایی قدرت ملی و سرزمینی را به رهبران کشورها نشان می‌دهد (Parker, 1988: 168).

۴. از دیدگاه استراتژی ژئوپلیتیک، هر کشوری، بر پایه قدرت خویش، توانایی مشخصی داشته و شعاع عملکرد جغرافیایی آن بر پایه همان میزان قدرت تعریف می‌شود. لذا قدرت در سطوح پنجگانه جهانی، فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و ملی تقسیم‌بندی می‌شود.

۵. سیاست ژئوپلیتیکی دارای سه بُعد سرزمینی، درازمدت و راهبردی است لذا بار استراتژیک دارد. استراتژی ژئوپلیتیک مبین پنجگانه فوق است.

۲-۳. **استراتژی ژئوپلیتیکی:** استراتژی ژئوپلیتیکی خط‌مشی یک دولت بر پایه‌ی واقعیات فضایی-جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیکی ثابت و متغیر است که می‌تواند به اهداف و منافع ملی خود برسد و مانع رسیدن رقبای خود به اهدافشان شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۸). استراتژی ژئوپلیتیکی، برنامه‌ای جامع و یکپارچه بر پایه نگرش استراتژیک کشور نسبت به محیط پیرامونی و بین‌المللی است که بر محور ادارک کشور از منافع حیاتی خود نسبت به محیط پیرامونی‌اش شکل گرفته است. این مفهوم برای اولین بار توسط هاوس هاوگر وارد ادبیات ژئوپلیتیک شد. به اعتقاد وی آلمان و روسیه دو قدرت بزرگ در اروپا هستند که باید به همکاری بر اساس اشتراک منافع برسند (عزتی، ۱۳۷۹: ۳۲).

۳-۳. **بنیان ژئوپلیتیک:** به مجموعه عوامل ژئوپلیتیکی و پدیده‌های انتزاعی که حاصل رابطه و تأثیر متقابل عوامل جغرافیایی و سیاسی بر یکدیگرند اطلاق می‌شود درحالی‌که این عوامل نه صرفاً عامل جغرافیایی و نه سیاسی است بلکه محصول کنش و واکنش پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی در فضا است که منجر به تولید قدرت می‌شود (حسین‌پورپویان، ۱۳۹۲: ۱۶۹). بنیان‌های ژئوپلیتیکی به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته در روندهای نظام ژئوپلیتیک جهانی، منطقه‌ای و ملی نقش ایفا می‌کنند و در یک رابطه ژئوپلیتیکی، به اعتبار

وزنی که هر یک از این عوامل دارند، باعث برتری ژئوپلیتیکی پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی می‌شوند (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۱).

در چارچوب مفهومی ژئوپلیتیک، هریک از این بنیان‌ها، عنصر ژئوپلیتیکی هستند که به اعتبار ویژگی ذاتی و نقشی که در یک رابطه به خود گرفته است منجر به ساخت ژئوپلیتیک جدیدی در نظام جهانی، منطقه‌ای و یا ملی می‌شود. لذا عناصر ژئوپلیتیکی، بنیان‌های ژئوپلیتیکی بالقوه‌ای‌اند که قابلیت شکل‌دهی ساخت ژئوپلیتیک را دارند. از جمله این عناصر ژئوپلیتیکی که توان تبدیل به بنیان‌های ژئوپلیتیکی را دارند می‌توان به (۱) هسته‌های مرکزی و تاریخی (رابط محیط فیزیکی هسته و نظام سیاسی؛ مرکز توسعه‌ی دولت و تداعی هویت‌های ملی، منطقه‌ای و ایدئولوژی مبرز)؛ (۲) پایتخت و مراکز سیاسی (دارای کارکرد اداری و کانون فعالیت‌های سیاسی حکومت و قلمرو سیاسی رفتارهای متقابل حاکمیت و مردم با انعکاس مستقیم در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی)؛ (۳) آیکومنی‌ها (نواحی فعال اقتصادی شامل زیرساختهای ارتباطی، منابع معدنی، ذخایر انرژی و زیرساختهای صنعتی)؛ (۴) سرزمین مؤثر ملی و منطقه‌ای؛ (مناطق با جمعیت متوسط، منابع قابل قبول و توان توسعه‌ای بسیار بالا)؛ (۵) مناطق خالی؛ (مناطق فاقد جمعیت ساکن با ظرفیت دفاعی-امنیتی) (۶) مرزها؛ (مبین حدود قلمرو سیاسی حکومت)؛ (۷) بخش‌های غیرهمسان؛ (بخش‌های جدایی‌طلب اقلیت‌ها در داخل دولت) (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۴).

۳-۴. روابط ژئوپلیتیکی: به مجموعه روابط بازیگران و کنشگران سیاسی ذیل سه‌گانه سیاست، جغرافیا و قدرت اطلاق می‌شود. جغرافیا، بستر برقراری رابطه میان چند بازیگر سیاسی؛ سیاست اراده‌ی دو بازیگر سیاسی از ماهیت رابطه و قدرت مبین شکل، الگو و نگرش بازیگران نسبت به یکدیگر می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶۲-۳۶۳). روابط ژئوپلیتیکی دارای اشکال متفاوتی همچون تعامل، رقابت، تقابل، منازعه، سلطه و نفوذ می‌باشد. این الگوها تابعی از نحوه ترکیب و تعامل عناصر جغرافیا و سیاست در بستر زمان است.

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۶۹

۳-۵. کد ژئوپلیتیکی: دستورکار عملیات سیاست خارجی یک کشور که به ارزیابی مکان‌های جغرافیایی در ماورای مرزها می‌پردازد (Taylor, 1994: 80) و مبنای تدوین استراتژی‌های خرد و کلان و طرح‌ریزی نقشه عملیاتی مسیرهای توسعه ملی و فراملی می‌باشد. در نظام منطقه‌ای اگر کدهای ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه در تضاد با اهداف و منافع (ملی و منطقه‌ای) یکدیگر باشد، منطقه به‌جای حرکت به سمت صلح و ثبات به سوی درگیری، مناقشه و منازعه می‌رود. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای منوط به کدهای ژئوپلیتیکی متعارض و غیرمتعارض در نظام منطقه‌ای است که سبب جهت‌دهی سیاست‌های منطقه‌ای می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹).

۳-۶. امنیت ملی: مفهوم امنیت ملی بعد از جنگ جهانی دوم در محافل آکادمیک استفاده شد اما موجودیت این مفهوم در بستر تاریخی و طی قرن‌ها شکل گرفته بود. سرآغاز پیدایش این مفهوم به قرارداد وسفالیو و شکل‌گیری دولت ملی می‌رسد. در این زمان به مجرد پایان نزاع میان گروه‌های مذهبی و شاهزاده‌ها و تاسیس دولت ملی، حفظ و بقای ملی اهمیت بسیاری یافت به‌نحویکه تأکید بر امنیت ملی مهم‌ترین موضوع بوده است (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۵). جهت برآورد و پیش‌بینی‌های امنیت ملی به مواردی همچون امکانات، تعهدات، آسیب‌پذیری‌ها، فرصت‌ها، تهدیدات، فرهنگ استراتژیک کشور، ساختار امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی توجه می‌شود (امیری، ۱۳۹۴: ۲۷) لذا هر نظریه‌پرداز و یا کنشگر سیاسی، امنیت ملی را بنابر مقتضیات زمانی، مکانی، ساختاری و اندیشه‌ای خود تفسیر می‌کند. از نگاه باری بوزان، امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف، از لحاظ تعریف، مبهم ولی از لحاظ سیاسی مفهومی قدرتمند است.

در تعاریف کلاسیک، همواره فرض بر وجود تنازع و برخورد است، لذا به ابعاد نظامی این مفهوم تأکید می‌شود. از اینرو ارتقاء سطح توان نظامی و تسلیحاتی یک کشور که توان مواجهه با تهدیدهای خارجی را دارد در راستای امنیت ملی کشور می‌-

باشد (بلیس، ۱۳۷۸: ۲۹). اندیشمندان تأمین امنیت ملی را منوط به تأمین منافع ملی و دورنگهداشتن ارزش‌های یک ملت از گزند تهدیدهای داخلی و خارجی می‌دانند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۵). تأمین امنیت ملی نیازمند مجموعه کاملی از اقدامات پیشگیرانه بوسیله حکومت‌ها است که بر دو مؤلفه قدرت ملی و اقتدار ملی شکل می‌گیرد و با بکارگیری سیاست‌های ملی، قدرت مالی، دیپلماسی و طراحی نظامی مرتفع می‌شود (امیری، ۱۳۹۴: ۲۳).

جدول ۱: شاخص‌های امنیت

شاخص‌های عمده امنیت	
۱- حفظ موجودیت کشور از تهدیدهای نظامی	امنیت
۲- حفظ نظام سیاسی و جلوگیری از تهدید نسبت بدان	
۳- حفظ نظام اقتصادی و جلوگیری از تهدید نسبت بدان	
۴- حفظ ارزش‌های حیاتی و جلوگیری از تهدید نسبت به آنها	
۵- دوام و قوام‌دادن انسجام ملی	
۶- فراهم کردن رفاه اقتصادی برای مردم	
۷- حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن	

(منبع: امیری، ۱۳۹۴: ۲۷)

۴- محیط‌شناسی تحقیق

۱-۴ استراتژی ژئوپلیتیکی عراق: جغرافیای عراق، محل پیدایش و رشد بسیاری از نمودهای درخشان فرهنگی و مدنی بوده و از طرفی محل بروز تعارض، هم‌آوردی و کشمکش قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری تعارضات مذهبی و فرهنگی بوده است (موجانی، ۱۳۹۴: ۱۸). عدم بلوغ ژئوپلیتیکی عراق ناشی از جغرافیای سیاسی نابه‌سامان آنست که به موازات تحولات بین‌المللی تغییر می‌کند. با فروپاشی و تجزیه ارضی امپراتوری عثمانی؛ سنگ‌بنای عراق بر محور سه فضای جغرافیایی؛ ۱- موصل؛ محل استقرار

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۱

اکراد عراقی، ۲-بغداد؛ فضای جغرافیایی اهل تسنن و ۳-بصره؛ فضای جغرافیایی شیعیان عراق گذاشته شد. با آغاز فرایند زیست سیاسی-ملی عراق؛ این کشور یک‌دهه تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت اما با کسب استقلال، گروه‌های سیاسی به قدرت رسیدند و باسقوط رژیم پادشاهی، حکومت جمهوری جایگزین رژیم پادشاهی شد و حزب بعث با کودتا علیه قاسم، قدرت را در اختیار گرفت (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۹). حضور بعثی‌ها در رأس حاکمیت عراق به موازات شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و بروز تلاطم در ساختار ژئوپلیتیک خاورمیانه، موجب تغییر در استراتژی ژئوپلیتیکی عراق شد. تنگنای ژئوپلیتیکی عراق و گسست در ساخت ژئوپلیتیک ایران، سبب شد عراق درصدد گسترش ژئوپلیتیک خود برآید. لذا اقداماتی نظیر هم‌پیمانی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای بر مبنای هویت‌های ملی، فشار سیاسی-نظامی و شکل‌گیری منازعه مستقیم با ایران، حمله به کویت، همگی جزء سیاست‌های منطقه‌ای عراق بود که با هدف بسط ژئوپلیتیک عراق و تثبیت قدرت منطقه‌ای این کشور در این منطقه رخ داد (مجتهدزاده، ۱۳۹۴). واکنش منفی قدرت‌های جهانی به حمله‌ی عراق به کویت و شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به آن؛ سبب انزوای ژئوپلیتیکی بیشتر عراق شد و افزایش فشارهای بین‌المللی و حمله نظامی آمریکا، منجر به سقوط رژیم بعث شد. حذف حزب بعث و خلأ حاکمیت مقتدر در صحنه قدرت عراق، باحضور بازیگران و کنشگران با وزن‌های متفاوت همراه شد و عاملی شد تا طیف‌های سیاسی درصدد سهم‌خواهی قدرت در عراق باشند. خلأ حاکمیت مقتدر و یکپارچه سبب شد تا گروه‌های اجتماعی و طیف‌های سیاسی ضمن اعلام موجودیت، درصدد اعمال حاکمیت جداگانه بر پهنه سرزمین تحت‌تسلط خود برآیند. تفرق اجتماعی و مذهبی سبب‌شده تا در دهه اخیر استراتژی ژئوپلیتیکی عراق متمرکز بر احیاء دولت-ملت‌سازی شود و درصدد تقویت

هویت ملی از هم‌گسیخته خود باشند که تحت تأثیر هویت‌های قومی-مذهبی، به سمت واگرایی و تجزیه قرار گرفته‌اند (فرجی‌راد و دیگران، ۱۳۹۴).

۲-۴. **استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران:** موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دو قرن اخیر به‌نحوی بوده که در موقعیت حائل در میان دو سازه‌ی قدرت جهانی قرار گرفته و عاملی شده تا برای تأمین منافع ملی خویش نیاز به تعامل مؤثر و فعال با سازه‌های قدرت پیرامونی داشته‌باشد. لازمه تعامل فعال و مؤثر با سازه‌ی قدرت‌های پیرامونی، برای کشوری که در موقعیت حائل قرار دارد اینست که سیاست خارجی بی‌طرفانه، مثبت، فعال و تأثیرگذار داشته‌باشد. انفعال در برابر قدرت‌های پیرامونی سبب بروز کشمکش و وقوع انواع بحران‌های قومی، ملی، مذهبی در درون مرزهای ملی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۶). مناسب‌ترین شرح وظایف حکومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و پیرامونی بر مبنای ارزش‌هایی است که منجر به همگرایی منطقه‌ای شود (فرجی‌راد، ۱۳۹۴). سقوط رژیم بعث و مشارکت گسترده نیروهای آمریکایی و اروپایی در عراق؛ به موازات فعالیت‌های نظامی ناتو که با هدف حرکت به سمت شرق و همجواری با مرزهای سیاسی و ژئوپلیتیکی روسیه صورت گرفته بود و منجر به شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای با دولت‌های منطقه شده بود، سبب بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی و امنیتی در محیط پیرامونی ایران شد. لذا استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران انتخاب کدهای ژئوپلیتیکی است که ضمن ارتقاء وزن ژئوپلیتیک ایران، سبب تثبیت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شود (فرجی‌راد و دیگران، ۱۳۹۴).

۳-۴. کدهای ژئوپلیتیکی عراق و ایران

۱-۳-۴. وضعیت قومی، نژادی و مذهبی

الف: وضعیت قومی- نژادی: بافت اجتماعی عراق، واحد موزائیکی از قومیت‌ها، مذاهب و فرهنگ‌هاست که اقتضات خود را بر رفتار سیاسی در محیط داخلی و خارجی عراق تحمیل کرده و شکاف‌های متعددی را در حوزه‌های سیاست و اقتصاد ایجاد کرده‌است. این

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۳

موزائیک قومی دنباله‌هایی در خارج از کشور دارد که ضمن ایجاد ناامنی در عراق؛ زمینه‌ای فراهم کرده که همسایگان عراق در امور داخلی عراق دخالت کنند (سالیانجر و لوران، ۱۳۷۴: ۲۲). در ماده ۳ پیش‌نویس قانون اساسی عراق آمده است: ملت عراق از دو ملیت اصلی عرب و کرد و قومیت‌های اصلی ترکمان، کلدانی، آشوری، سریانی، ارمنی، شبک (فارس)، یزیدیه و صابئین تشکیل شده که همگی در دسترسی به حقوق و واجبات ملی‌شان مساوی هستند. عرب‌ها ۷۵٪ تا ۸۰٪، کردها ۱۵٪ تا ۲۰٪، ترکمنان، آشوریان و غیره حدود ۵٪ از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. حدود ۶۰٪ تا ۶۵٪ درصد مردم عراق شیعه، ۳۲٪ تا ۳۷٪ درصد سنی و ۳ درصد مسیحی هستند. بهره‌گیری از فضای جغرافیایی یکپارچه و داشتن سرزمین به موازات همبستگی قومی در فضای سیاسی ناهمگون عراق، حضور در رأس حاکمیت و مسند ریاست جمهوری، توانایی بازی دوسویه در معادلات سیاسی داخلی و خارجی و حضور در بغداد به عنوان کانون سیاسی عراق، برای اقلیم کردستان نقش پررنگی رقم زده است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۹). همجواری اقلیم کردستان، با مناطق کردنشین ایران و ترکیه سبب شده این گروه قومی یکی از کدهای اصلی ژئوپلیتیکی ایران و عراق به‌شمار رود به‌طوری‌که از عوامل اصلی و مشترک سیاستگذاری محسوب شود. اکراد عراقی به دلیل داشتن سرزمین، همواره درصد حاکمیت مستقل بوده‌اند لذا توانسته‌اند بعد از سقوط رژیم بعث، با ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی خود، تا سطح خودمختاری و تشکیل اقلیم کردستان پیشرفت کنند (نوریان، ۱۳۹۴).

جدول ۲: میزان پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل گروه‌های عمده قومی - مذهبی عراقی

گروه قومی / شاخص	شیعیان	عرب‌های سنی	کردها	ترکمن‌ها
وسعت جغرافیایی	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	کم
تعداد و تراکم جمعیت	زیاد	متوسط	متوسط	بسیار کم
مجاورت جغرافیایی	زیاد	زیاد	بسیار زیاد	بسیار کم
منابع غنی زیرزمینی	بسیار زیاد	محدود	نسبتاً زیاد	بسیار کم
پیشینه مبارزه برای استقلال	بسیار کم	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم
پیشینه تمدنی	بسیار زیاد	زیاد	زیاد	کم
همسویی با گفت‌وگو بین‌المللی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	زیاد
کادر رهبری مجرب	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
سازماندهی گروهی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
موقعیت ژئوپلیتیک	بسیار زیاد	بسیار کم	زیاد	کم
جمع‌بندی	پتانسیل بالای استقلال	پتانسیل بالا برای انزوا و عدم استقلال	پتانسیل بسیار بالا برای استقلال	پتانسیل کم برای استقلال

(جلسه خبرگی کارگروه عراق، ۱۳۹۵)

مسأله اکراد در عراق، چالشی تاریخی با سابقه سیاسی است که ریشه آن به فروپاشی عثمانی بازمی‌گردد. مسأله اکراد در جامعه سیاسی عراق با روندهای متفاوتی همراه بوده به‌طوری‌که تاریخ سیاسی عراق روندهایی نظیر درگیری اکراد با حکومت عراق و سرکوب شدن از طرف دولت مرکزی تا جنگ داخلی، دخالت‌های سازمان ملل و خودمختاری مناطق کردنشین را ثبت کرده‌است. با این وجود در دهه گذشته و پس از تشکیل

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۵

حکومت مستقل، کردها نقش بارزی در صحنه سیاسی عراق ایفا کردند و در تشکیل «شورای حکومتی» و تشکیل مجلس و دولت عراق حضور پررنگی داشته‌اند. حضور اکراد در دهه گذشته از وزن بالایی برخوردار بود و مسعود بارزانی، جلال طالبانی، فؤاد معصوم و هوشیار زیباری به نمایندگی از کردها در مناصب اجرایی ریاست جمهوری، وزارت خارجه و وزارت دفاع و چندین پست وزارت در دولت عراق حضور داشته‌اند (رشید، ۱۳۸۷: ۸۶).

با این وجود تفاوت نژادی و فرهنگی کردها با سایر اقوام عراقی و شرایط اقلیمی منطقه کردستان عراق، باعث شده میان اکراد و دولت عراق بر سر استقلال و خودمختاری درگیری باشد. به نحویکه در قرن بیستم دولت مرکزی عراق حداقل هفت برخورد نظامی با کردها داشته‌است. منازعات خشونت‌آمیز کردها و اعراب از رویدادهای مهم عراق از ابتدای استقلال آن کشور است، به نحویکه مطابق تاریخ سیاسی هشتادساله عراق، کردها یا در حال مذاکره و یا جنگ با دولت مرکزی برای کسب خودمختاری بوده‌اند. دولت مرکزی همواره سعی در عربی کردن کردستان از طریق تصفیه قومی و جابجایی اجباری جمعیت داشته‌است. اگرچه شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به جریان‌های کردی، اجازه استقلال از جغرافیای عراق را نداده با این وجود کردستان عراق به دلیل وزن بالای ژئوپلیتیکی؛ اهمی قوی برای بی‌ثباتی و تغییر روندهای سیاسی در عراق به‌شمار می‌رود و در برهه‌های زمانی، جغرافیای انسانی کردستان توان برهم‌زدن موازنه قوا در عراق را داشته‌است. بنابراین گرایش به گریز از مرکز توسط کردها همواره از عوامل مهم بی‌ثباتی‌های داخلی عراق بوده و این مورد در زمان‌هایی که دولت مرکزی از قدرت کمتری برخوردار بوده، تشدید شده‌است.

ب: وضعیت مذهبی - ایدئولوژیک: تا قبل از سقوط رژیم بعث، عرصه بر اکثریت شیعیان عراقی تنگ بوده بویژه طی جنگ تحمیلی عراق با ایران، که رژیم بعث در سطح گسترده‌ای اقدام به دستگیری، شکنجه و اعدام شیعیان مخصوصاً رهبران شیعی می‌کرده و و هزاران

نفر از شیعیان شهید، تبعید و یا اخراج شدند. حکام عراق ضمن ابراز نگرانی از گسترش و حاکمیت تفکر شیعی در این کشور تلاش می‌کردند تا رهبران شیعه را به نحوی کنترل و یا از میان بردارند. "سیدمحمدباقر صدر" از رهبران شیعی عراق، طی همکاری اطلاعاتی رژیم بعث با دول عربی ربوده و از صحنه سیاسی عراق حذف گردید. به‌رغم وجود اکثریت شیعه در ترکیب ارتش و دستگاه‌های دولتی، شیعیان همواره از دستیابی به مناصب کلیدی محروم بودند. سیاست رژیم بعث در محدودسازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت کشورهای عربی قرارداداشت و دولت‌های عرب منطقه به دلیل تمایزات مذهبی هیچگاه خواهان قدرت یافتن شیعیان عراق نبوده‌اند. بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق، قدرت معنوی شیعیان در تحولات غرب آسیا نمود یافته و بر روابط قدرت در سطح منطقه و جهان تاثیر بیشتری گذاشته‌است به‌ویژه که بالغ بر ۷۰ درصد شیعیان در حاشیه خلیج-فارس و در حوزه‌های نفتی پراکنده شده‌اند (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

تحولات ناشی از سقوط رژیم بعث و خروج شیعیان از تنگنای سیاسی، نقش ژئوپلتیک شیعیان در عراق را ارتقاء بخشیده است. برخلاف گذشته اکثریت مجلس نمایندگان، نخست‌وزیری و پست‌های دولتی اکنون در اختیار شیعیان است. سقوط بعث، نقطه عطفی در روند حضور شیعیان در میدان سیاست و برخورداری از هویت دوگانه سیاسی و مذهبی در جامعه عراق محسوب می‌شود. پس از صدام، شیعیان توانسته‌اند با اتکاء به مؤلفه‌های قدرت، از فرصت بهره‌برداری کنند و حضور خود را در عراق گسترش و تعمیق بخشند. امروزه هیچ قدرتی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن شیعیان در عراق نقش-آفرینی کند و بدون ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی در عراق که شیعیان در آن از وزن بالایی برخوردارند، تأثیرگذار باشد. ظهور عراق جدید که در آن شیعیان سهم عمده‌ای در قدرت دارند، پیامدهای گسترده‌ای برای ژئوپلتیک خاورمیانه دارد. در میان کشورهای همسایه عراق؛ ایران و ترکیه در مقابل این تحولات مواضع مثبتی اتخاذ نموده‌اند اما از نظر

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۷

کشورهای عرب همسایه، این تغییرات به منزله تهدیدی برای هویت عربی و حاوی پیامدهای سوء و بی‌ثبات‌کننده برای منطقه تلقی می‌شود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹). اصل یازدهم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده که سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۱)، لذا سیاست جمهوری اسلامی مدیریت تنوعات اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد «تکنرگرای و وحدت-طلبی دینی» اعلام شده است (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). انقلاب اسلامی جرقه‌ی خیزش و تقویت شیعه بوده و شیعیان جهان، ایران را مامن خود می‌دانند (یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). پیوند تاریخی، سیاسی و عقیدتی شیعیان عراقی با جمهوری اسلامی، سبب شده که به مجرد حضور در رأس حاکمیت عراق، رهنمودهای اسلام و آموزه‌های مذهب تشیع، الهام‌بخش مبارزات آنها شود و اعتقادات اسلامی و شیعی نظیر «شهادت، عدالت، غیبت، انتظار، جهاد نفی‌ظلم و ظالم، رهبری مرجعیت» به حرکت‌های مردمی در عراق جهت دهد (احمدی و حافظ-نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

۲-۳-۴. **هیدروپلیتیک ایران و عراق:** مسأله آب، از مهمترین کدهای ژئوپلیتیک عراق است که در آینده از چالش‌های اصلی سیاست خارجی عراق می‌شود. منابع آبی ایران و عراق به چهار دسته رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، هورها، سدها و آب‌های ساحلی خلیج فارس تقسیم می‌شوند (عزتی، ۱۳۸۱: ۲۷). در مثلث کشورهای حوزه دجله و فرات (ترکیه، عراق و سوریه)، عراق از دو جهت از نظر منابع آبی تحت فشار قرار دارد؛ از یکسو نگران سدسازی سوریه و از سوی دیگر نگران تهدیدهای ترکیه می‌باشد. شدت خشکسالی‌ها و نیاز ترکیه و سوریه به آب، سبب شده بیشتر منابع آبی سرشاخه‌های دجله و فرات توسط این دو کشور کنترل شود. منابع آب‌های سطحی عراق سالیانه ۸۰ میلیارد مترمکعب است که ۳۱ میلیارد مترمکعب به رودخانه فرات و ۵۰ میلیارد مترمکعب از رودخانه دجله است. درحالی‌که حجم سالیانه ریزش باران در عراق ۱۰۰ میلیارد مترمکعب است. باتوجه به ذخایر آب‌های

زیرزمینی ایران که حدود ۳۵ میلیارد مترمکعب تخمین زده می‌شود و میزان آب‌های سطحی که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد مترمکعب بیان شده، ذخایر آبی قابل استحصال ایران ۱۳۵ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود. با این میزان آب قابل استحصال، سرانه آب ایران در سال ۲۰۱۱م، حدود ۱۸۵۰ مترمکعب خواهد بود. به دلیل موقعیت فرادستی ایران نسبت به عراق، مسیر رودخانه‌های مرزی ایران و عراق، شرقی-غربی است و در پس‌کرانه‌های رشته‌کوه‌های زاگرس آبخوان‌های طبیعی شکل گرفته‌اند که به‌سوی پهنه سرزمینی عراق جریان دارد و به حوزه آبریز عراق سرازیر می‌شوند و همین عاملی شده تا به امار حجم آب‌های در دسترس عراق، آمار میزان آب‌های سطحی که از خاک ایران وارد عراق می‌شود افزوده شود که سالانه حدود ۹/۷ میلیارد مترمکعب به سمت عراق وارد می‌شود.

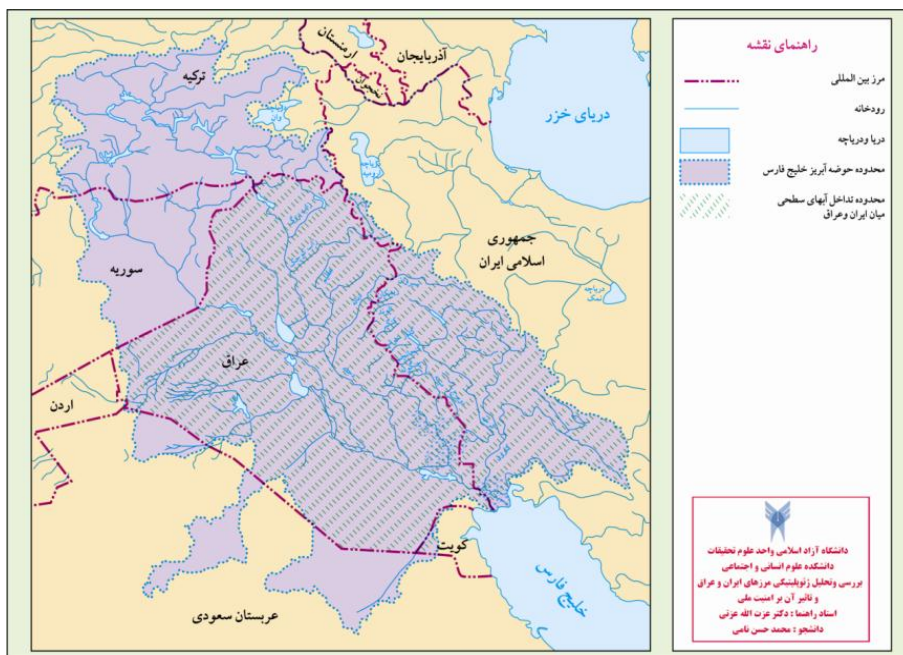
جدول ۳: وضعیت منابع آبی ایران (۱۳۹۴) و عراق (۱۳۹۳) (کلانتری، ۱۳۹۵: ۸۶)

کشور	مساحت (km^2)	متوسط بارش سالیانه (میلیارد مترمکعب)	حجم ریزش بارش (میلیارد مترمکعب)	حجم آب‌های سطحی (میلیارد مترمکعب)	منابع آب‌های زیرزمینی (میلیارد مترمکعب)
ایران	۱۸۷۳۹۵۹	۲۵۰	۳۴۰	۸۴/۶۲۲	۲۹
عراق	۴۳۷۰۷۲	۷۶	۸۰	۷۸	۲

ایران با عراق از نظر جریان‌ات آب‌های سطحی بیشترین پیوند توپوگرافیکی و تداخل حوزه آبریز را دارد. به‌علت قرارگرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت کوهستانی، سالیانه میلیاردها مترمکعب آب‌های سطحی ایران به عراق جریان می‌یابد. از مجموع ۳۰ میلیارد مترمکعب آب‌های حوزه آبریزی که سالانه توسط ۶۸ رودخانه از مرزهای خارج می‌شود ۴ میلیارد مترمکعب به حوزه آبریز عراق می‌ریزد. با توجه به بیلان آبی کشور عراق و ذخایر منابع آب زیرزمینی عراق که حدود ۲ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود،

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۷۹

می‌توان گفت سرانه آبی هرنفر در سال ۲۰۱۱ در عراق ۲۸۵۰ مترمکعب در سال بوده- است (رشید، ۱۳۸۷: ۷۸).



نقشه ۱: تداخل حوزه‌های آبریز ج.ا.ایران و عراق و رودخانه‌های ورودی ایران به خاک عراق (عزتی -

ونامی، ۱۳۸۷: ۱۰۲)

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۸۱

غربی سلسله جبال زاگرس در ایران (۲۵ رودخانه) که سالانه حدود ۹/۷ میلیارد مترمکعب آب سطحی این کشور را به دجله و حوضه آبریز آن سرازیر می‌کنند، می‌توان گفت که درصد قابل توجهی (نزدیک به یک‌پنجم) از آب دجله از منابع آب سطحی ایران تغذیه می‌شود (نهای، ۱۳۷۸: ۷۱).

جدول ۳: منابع آبی و میزان سرانه آب در ایران و عراق در سال ۱۳۹۳ (کلانتری، ۱۳۹۵: ۸۹)

سرانه آب در سال ۱۳۹۳ (مترمکعب)	مقدار آب قابل استحصال (m^3)	حجم آب‌های زیرزمینی (m^3)	حجم آب‌های سطحی (m^3)	حجم آب دریافتی از بارش (m^3)	جمعیت (۲۰۱۱م)	مساحت (km^2)	کشور
۱۷۳۰	۱۱۳	۲۹	۸۴	۲۵۰	۷۴۸۰۰۰۰۰	۱۸۷۳۹۵۹	ایران
۲۷۱۰	۸۰	۲	۷۸	۸۰	۳۲۷۰۰۰۰۰	۴۳۵۰۵۲	عراق

۳-۳-۴. قوم عرب و ادعاهای انضمام طلبانه کشور عراق: قوم عرب مستقر در خوزستان، یکی از کدهای ژئوپلیتیکی ایران و عراق هستند. خوزستان با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع به لحاظ هویت تاریخی همواره مورد ادعای عراق بود. عراق با استناد به نژاد عرب آنها ادعاهای توسعه طلبانه‌ی خود را درباره‌ی تجزیه‌ی خوزستان مطرح می‌کرد. با تجزیه عثمانی و پدید آمدن کشورهای ترکیه، عراق و کویت؛ شیخ خزعل در صدد تجزیه‌ی خوزستان و حکم‌رانی بر آن شد که با مداخله‌ی رضاشاه غائله‌ی خزعل پایان گرفت (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۸) مجموعه‌ی فعل و انفعالات سیاسی خوزستان زمینه‌ای شد تا عراق مجدداً پس از انقلاب ادعاهایش نسبت به این منطقه را مطرح کند. اقلیت عرب جدایی طلب، این استان را کانون توجه زمامداران عراق قرار داد، طوریکه روابط گسترده عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. عراق در تلاش بود با گفتمان پان عربیسم و جذب نواحی عرب‌نشین موجب جدایی خوزستان شود. لذا سعی در تحریف تاریخ خوزستان نموده و در این خصوص نقشه‌هایی چاپ کرد که خوزستان با نام عربستان عنوان شده بود (رشید، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۶) ادعای آزادسازی و الحاق گرایانه دولت عراق و سوء استفاده از تقسیمات فرقه‌ای و قومی، از عواملی است که جنگ بین ایران و عراق را پیچیده کرد. هنگامیکه عراق با عبور از شط‌العرب (اروند رود) وارد استان خوزستان شد، هدفش را آزادسازی "عربستان" اعلام کرد (سالارنژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۸). ادعای سرزمینی نسبت به استان نفت‌خیز خوزستان و اختلاف بر سر تعیین مرزهای آبی، شرایط دشواری را در روابط دو کشور ایران و عراق رقم زده است (خسروی، ۱۳۸۸: ۷۶). بطوریکه جریانات و گروه‌های تجزیه طلبی همچون اتحادیه عرب خوزستان، جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه-التحریر، فداییان خلق و حزب کارگران سوسیالیست از جدایی طلبانی‌ند که در صددند زمینه جدایی از ایران را فراهم کنند (بیژنی و عزتی، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۱).

۴-۳-۴. تنگنای دسترسی به خلیج فارس: محصور بودن نسبی عراق در خشکی و دسترسی

محدود به آبهای آزاد، تنگنای ژئوپلیتیکی ایجاد کرده و تلاش برای رفع این تنگنا، تمایل استراتژیک عراق محسوب می‌شود (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۸: ۱۴۳). طول کرانه‌ی دریایی عراق حدود ۵۸ کیلومتر است که در فاصله‌ی خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره‌ی آبادان قرار دارد. با احتساب طول آب‌راه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد لذا کرانه‌های جنوبی عراق به دلیل عدم تأمین نیاز عراق، ناکارآمد می‌باشد (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۶). بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر در خلیج فارس هستند که به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن برای رفت و آمد نفت‌کش‌ها مناسب نیستند. این امر از چالش‌های ژئوپلیتیکی عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی محسوب می‌شود، به‌طوری‌که رفتار سیاسی-نظامی عراق را تحت تأثیر قرار داده و مانع بازیگری عراق در این منطقه‌ی ژئوپلیتیکی می‌شود. چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۸). گسترش خط ساحلی و دسترسی آسان به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف استراتژیک عراق بوده که از طریق پیوست خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری این کشور بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت و حاکمیت بر دو جزیره‌ی کویتی وربه و بویان امکان‌پذیر است. وضعیت نامساعد کرانه‌ی عراق سبب شده تعیین حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج-فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد، هرگز عملی نشود. در واقع این کشور به دلیل مشکلات ژئوپلیتیکی انگیزه‌ای برای حل موضوع ندارد و منافع خود را در حل و فصل نشدن آن ارزیابی می‌کند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۵).

۳-۴-۵. **اروندرود:** عراق هیچ رودخانه‌ای ندارد که از داخل آن کشور سرچشمه گرفته باشد و رودخانه‌هایی که وارد عراق می‌شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه گرفته‌اند (جعفری-ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۵) این مساله در سیاست خارجی و مناسبات دو کشور عراق و ایران از حساسیت قابل توجهی برخوردار است چراکه اغلب رودخانه‌های جاری در عراق از

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۸۵

کشورهای همسایه سرچشمه گرفته‌اند و به نوعی عراق را در گروگان خود قرار داده‌اند بنابراین در مواقع لازم می‌توانند اهرم فشارهای لازم را بر عراق وارد کنند.

اروندروود از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون، پس از طی مسافت طولانی در محلی به نام قصبه‌ی فیلکبه به خاک ایران می‌رسد (منصوری، ۱۳۷۷: ۴۸). این رود میان ایران و عراق مشترک است و طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسانی در استفاده از آن دارند. رودخانه‌ی اروند باید به روش تالوگ تعیین مرز می‌شد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر رودخانه بود و مرز را ساحل ایران می‌دانست. با این فرض اروندروود جزء آب‌های داخلی عراق به شمار می‌آمد و حق استفاده‌ی ایران برای کشتی‌رانی، ماهی‌گیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام می‌شد (پارساپور، ۱۳۸۹). به موجب عهدنامه‌ی الجزایر و با پذیرش خط تالوگ به منزله‌ی خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندروود پذیرفته شد. با اینحال، پس از این قرارداد به ویژه با سقوط نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها در خواستار برقراری حاکمیت مطلق بر اروندروود شدند و اعلام کردند که می‌خواهند به موضع پیش از سال ۱۹۷۵ برگردند (جعفری‌ولدانی، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۵).

مهمترین تعارضات مرزی و ارضی حل‌نشده میان ایران و عراق اروندروود است که ریشه در وضعیت آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک عراق در منطقه و محدودیت دسترسی این کشور به سواحل خلیج فارس دارد و سبب دامن‌زدن این کشور به این مسأله شده و آنرا به مهم‌ترین منبع بحران و تنش در روابط دو کشور مبدل کرده است (رشید، ۱۳۸۷: ۹۲).

این آبراهه، تنها مسیر دریایی حیاتی میان خلیج فارس و قلمروهای داخلی عراق است. مرز میان دو کشور در مسیر اروندروود حدود ۹۱ کیلومتر است که در شش کیلومتر ابتدایی با خلیج فارس، عراق این مسیر حیاتی خود را در معرض آسیب‌پذیری می‌داند به-طوری‌که هشت سال جنگ ایران و عراق، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را

کاملاً اثبات کرد. در محاسبات صدام برای ضمیمه کردن کویت در سال ۱۹۹۱م، اصلاح این آسیب‌پذیری نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (فولر، ۱۳۹۰: ۴۹) تحدید حدود مرز ایران و عراق با همکاری خوب دو کشور از سال ۱۳۸۹ه.ش، شروع و روند اجرایی آن با هماهنگی کامل تیم‌های فنی مشترک ادامه دارد.

۵- نتیجه‌گیری

طی نیم قرن گذشته نگاه ایران و عراق به یکدیگر، نگاهی امنیتی بوده‌است. در وضعیت جدید با وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته و گرایش‌ها از تخصم به همکاری نزدیک شده‌است. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک این کشور از اهمیت زیادی برخوردارند. بررسی ژئوپلیتیک عراق عوامل متغیر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این کشور از اهمیت زیادی در سیاست خارجی ایران برخوردار است اما سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته عامل نگرانی برای همسایگان و همچنین امنیت منطقه‌ای بوده‌است. بحران‌های اخیر و روابط خصمانه عراق با کشورهای همسایه، نشان می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی بعث، ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران مربوط به موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی عراق است. وضعیت خاص ژئوپلیتیک عراق، می‌تواند به چالش امنیتی ایران شود. تأثیر این عامل در کنار ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی نوسان داشته ولی به‌طور تقریبی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق بوده‌است. وجود منابع عظیم نفتی، چالش دسترسی به آب‌های آزاد، وجود مرزهای طبیعی و تحمیلی با همسایگان، اختلاف در استفاده از رودهای مشترک، اقوام و مذاهب مختلف در این کشور، از شاخص‌های چالشی عراق است که دارای اثر منفی بر امنیت ملی ایران می‌باشد.

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۸۷

تاریخ عراق نشان داده که شرایط ویژه ژئوپلیتیک عراق، فارغ از نوع حکومت این کشور، همواره از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی این کشور بوده‌است.

عراق جزء لاینفک استراتژی ژئوپلیتیک ایران است. اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن نقش این کشور ناقص است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک عراق که بر امنیت ملی ایران تأثیر دارد به اولویت انرژی، تعاملات اقتصادی و سیاسی ناشی از آن و نیز روابط مذهبی بر پایه مذهب شیعه و تعلق خاطر مردم دو کشور به مراکز مهم مذهبی و نیز مرزهای دو کشور دانست. برای ارایه یک استراتژی ژئوپلیتیک مناسب میان ایران و عراق می‌بایست این فاکتورهای مهم ژئوپلیتیک لحاظ گردد. آنچه مبرز است وجود تنگناهای ژئوپلیتیک است که گریبانگیر عراق می‌باشد و سبب شده عراق از لحاظ ژئوپلیتیک به ایران وابسته شود. این وابستگی ژئوپلیتیک سبب شده عراق مجبور به اتخاذ سیاست مثبت و یا منفی در برابر ایران باشد. به عبارت بهتر ژئوپلیتیک عراق سبب شده همواره یا با ایران و یا علیه ایران باشد و اتخاذ سیاست خنثی و بیطرفی از سوی عراق نسبت به ایران عملاً غیرممکن است. وجود حکومت قدرتمند و مقتدر در عراق که توان عرض اندام در برابر ایران را داشته باشد، به سبب آنکه درصد است تا از میزان وابستگی ژئوپلیتیک خود بکاهد همواره باعث افزایش چالش ژئوپلیتیک میان طرفین خواهد شد، باین وجود حضور حکومت ضعیف در عراق، منجر به افزایش وابستگی ژئوپلیتیک این کشور به ایران خواهد شد و در چنین شرایطی شاهد شکل‌گیری حداکثر همگرایی منطقه‌ای میان دو کشور خواهیم بود.

کدهای ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، حول سه محور هویت ملی-مذهبی، جغرافیای سیاسی و انزوای ژئوپلیتیک، است. منابع عظیم نفتی، تنگنای ژئوپلیتیک و رقابت هویتی عرب-عجم، عامل اصلی برای تحت‌الشعاع قراردادن امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. نوع حاکمیت عراق، اثر به سزایی در امنیت ملی ایران دارد. حضور

رژیم بعث و یا اقلیت اهل تسنن در رأس حاکمیت عراق، این کشور را به دشمن اصلی ایران مبدل می‌کند و اثر مستقیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد داشت. درحالی‌که حضور اکثریت شیعی در رأس حاکمیت، به عراق، وجه دوگانه می‌بخشد که این دوگانگی بسته به وضعیت عراق، متفاوت خواهد بود. عراق بحران‌زده و درگیر جنگ داخلی، بی‌توجه به هویت عربی و چالش‌های ژئوپلیتیکی، به ایران با نگاه شریک راهبردی می‌نگرد که برای مقابله با چالش‌های امنیتی به عراق کمک می‌کند با این‌وجود، نسبت به هویت ملی و انزوای ژئوپلیتیکی خود واکنش نشان می‌دهد و برای تحکیم و تقویت آن برنامه‌ریزی می‌کند. و اما عراق پس از بحران داخلی (با حفظ جغرافیایی فعلی)، که شیعیان حاکمیت را در اختیار دارند، عراقی است که نه یک شریک راهبردی و نه دشمن ایران محسوب می‌شود، بلکه عراقی که تبدیل به رقیب استراتژیک ایران شده و یک رقابت راهبردی با ایران خواهد داشت و درصدد است برای نیل به اهداف ملی و تأمین حداکثری منافع خود، از شاخص‌های ژئوپلیتیکی رقابت‌پذیر خود، به عنوان اهرمی برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. ژئوپلیتیک نفت و درآمدهای عظیم حاصل از فروش منابع نفتی برای توسعه عراق، تأکید بر هویت عربی در اجلاس‌ها و نشست‌های طرفین، حفر کانال به طول پنجاه کیلومتر در عمق منطقه بصره که دارای ظرفیت کشتیرانی است و نفتکش‌ها با قابلیت پهلوگیری در این بنادر، ظرفیت بسط ژئوپلیتیک عراق را دارند و نمونه‌های مشابه، از زمینه‌های شکل‌گیری رقابت راهبردی میان عراق و ایران است که پیش‌بینی می‌شود در آینده دارای آثار مستقیم بر امنیت ملی ایران داشته باشد.

قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری اینجانب با عنوان ژئوپلیتیک روابط ایران و عراق می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است. از

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۸۹

زحمات آقای دکتر عبدالرضا فرجی راد که راهنمای رساله‌ی اینجانب و آقای دکتر رحیم سرور که عهده‌دار مشاوره رساله اینجانب بودند سپاسگزاری می‌کنم.

منابع

- احمدی، عباس و محمدرضا حافظ‌نیا (۱۳۸۹) موانع و شیوه‌های بازدارنده‌ی تجدید حیات شیعه در جهان، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۹.
- آریان‌پور، کاشان (۱۳۶۳)؛ فرهنگ لغت انگلیسی، تهران: نشر امیر کبیر
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، اصغر، نصری، قدیر (۱۳۸۳). روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- امیری، هاشم (۱۳۹۴). سازماندهی استعماری فضا زیربنای ناامنی‌های جنوب‌شرق ایران. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- بلیس، جان (۱۳۷۸). امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد. ترجمه: حسین محمدی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
- بیژنی، علی، عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۷). کالبدشکافی جنبشها و گروه‌های قومی در استان خوزستان. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۷.
- پارساپور، روزبه (۱۳۸۹). ارون‌دروید یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران زمین. کانون پژوهش‌های خلیج فارس، برگرفته از سایت اینترنتی: www.persianguilfsudies.ir
- ترابی، یوسف (۱۳۸۸). سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۷۸). بررسی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)؛ استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل، پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۹۱

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). گرایش سیاست خارجی ایران باید چگونه باشد؟، قابل دسترسی در سایت به نشانی <http://hafeznia.ir>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۱۱/۲.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). نظریه استراتژی‌های ژئوپلیتیکی تولید صلح، امنیت و توسعه. قابل دسترسی در سایت به نشانی <http://hafeznia.ir>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۱۰/۲۷.

حسین‌پور پویان، رضا (۱۳۹۲). تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.

حسینی، حسین (۱۳۸۸). بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق. مجموعه مقالات تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

خسروی، غلامرضا (۱۳۸۹)؛ مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹

خلیلی، محسن (۱۳۹۰)؛ بن‌مایه‌ی دگرگون‌شونده‌ی ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه‌ی عربی، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران: سوم اسفند

خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری، هادی صیادی و حسین اصغری (۱۳۹۱)؛ مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱

خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، اصغری‌ثانی، حسین. و صیادی، هادی (۱۳۹۳). ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر کدهای رفتاری در سیاست خارجی ایران و روسیه. فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳.

خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی، اصغری‌ثانی، حسین (۱۳۹۱). ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱.

خلیلی، محسن، صیادی، هادی، حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱). پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه پژوهشی: ترکیه و ایران). فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

رشید، غلامعلی (۱۳۸۷). رساله دکتری با عنوان «نقش عوامل ژئوپلیتیک در راهبرد دفاعی (مطالعه‌ی موردی، ایران نسبت به عراق)». تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

رشید، غلامعلی (۱۳۸۸). تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

سالارنژاد، مومن (۱۳۸۹)؛ تأثیر الگوی نظام سیاسی فدرال احتمالی عراق بر امنیت داخلی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته جغرافیای سیاسی، استاد راهنما: هادی اعظمی، دانشگاه فردوسی مشهد.

سالیانچر، پیر، لوران، اریک (۱۳۷۴). جنگ خلیج فارس پرونده محرمانه. (ترجمه سوسن احمدزاده)، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

عزتی، عزت‌اله (۱۳۷۹). ژئواستراتژیک. تهران: انتشارات سمت.

عزتی، عزت‌اله، نامی، محمدحسن (۱۳۸۷). رساله دکتری با عنوان «بررسی و تحلیل ژئوپلیتیکی مرزهای ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی». دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۱). تحلیل بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۴). کلید موفقیت برجام: لزوم تعیین استراتژی ملی در سیاست خارجی. قابل دسترسی در دیپلماسی ایرانی به نشانی اینترنتی: <http://irdiplomacy.ir> تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۱۱/۲۶.

بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۹۳

فرجی‌راد، عبدالرضا، امیری، هاشم، هاشمی، سیدمصطفی، علی‌پور، عباس (۱۳۹۴). جلسه خبرگی با موضوع استراتژی ژئوپلیتیکی ایران در منطقه. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

فولر، گراهام (۱۳۹۰). قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران. ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز. قصاب‌زاده، مجید (۱۳۹۱). جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه خاورمیانه بزرگ، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ شانزدهم

کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹). جایگاه مفهوم فضای حیاتی در استراتژی ژئوپلیتیک عراق عصر صدام. فصلنامه نگین ایران. سال نهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۸۹.

کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر روابط ایران و همسایگان. تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم ۱۳۷۹.

کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری، تهران: نشر دانش پویان جوان، چاپ سوم، دی ماه ۱۳۸۹

کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۵). رساله دکتری با عنوان «نقش عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بر راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات از مبداء سرزمینی عراق». دانشگاه عالی دفاع ملی. بهار ۱۳۹۵.

کمپ، جفری، هارکاو، رابرت (۱۳۸۸). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه: پیشینه، مفاهیم و مسایل. ترجمه‌ی سیدمهدی حسین‌متین، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، جلد اول، ۱۳۸۸.

کوهن، سوئل. بی. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت. چاپ دوم.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۴). مصاحبه تخصصی با موضوع استراتژی ژئوپلیتیکی عراق پس از صدام. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب. ۱۳۹۴/۱۰/۹.

محمدیان، علی، ترابی، قاسم (۱۳۹۴): تأثیر تحولات پس از سقوط صدام بر وضعیت کردهای عراق. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال سوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

منصوری، جواد (۱۳۸۲). نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: امیرکبیر. موجانی، سیدعلی (۱۳۹۴). ریشه‌های تجدید حیات خلافت اسلامی و تاثیر ژئوپلیتیک آن. تهران: وزارت خارجه

نهایزی، غلامحسین (۱۳۷۸). عوامل ایجاد و تشدید بحران کم‌آبی در خاورمیانه و شمال آفریقا. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۰.

نوریان، عباس (۱۳۹۴). تأثیر کنش‌های سیاسی جریان‌های شیعی بر حاکمیت سیاسی عراق. جلسه خبرگی برگزار شده در مؤسسه اندیشه‌سازان نور، تاریخ برگزاری ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

_____ جلسه خبرگی کارگروه عراق برگزار شده در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، تاریخ برگزاری ۱۳۹۵/۲/۶.

تاریخ ، www.persiangulfstudies.com/userfiles/images/PDFlogo.jpg&imgrefurl

دسترسی ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

Taylor, P.J.(1994).Political Geography world economy, nation state and locality, Longman Scientific and Technical New Yourk.

C. Troll (1949): Geographic science in Germany during The Period 1933-1945, American Geographers, Vol. 39, No. 2 (Jun., 1949).

Parker, Geoffrey (1988); The Geopolitics of Domination, Publisher: Routledge Kegan & Paul (August 1988), ISBN-10: 0709940823